

(۶) مجلس ملی کرد در ولایات شرقی و بر اساس آرای آزاد و همگانی تشکیل خواهد شد. مدت دوره هر یک از این مجالس سه سال خواهد بود. مجلس در اول مارس هر سال اجلاس خواهد کرد، و دوره اجلاس آن چهار ماه خواهد بود. هر گاه مجلس نتوانست طی دوره مزبور امور محوله را به انجام رساند دوره اجلاس را می‌توان با درخواست اکثریت نمایندگان و تصویب فرماندار کل تمدید کرد.

(۷) وظیفه مجلس ملی رسیدگی به بودجه ولایات شرقی و مطالبی است که ماموران اداری و کشوری تابع مرتکب شده‌اند. مجلس ملی می‌تواند تصمیمات مشخص و معینی در باره پیشرفت و رفاه منطقه اتخاذ کند، اما همه این تصمیمات باید برای اطلاع مجلس کبیر ملی به دولت آنقره تسلیم شود.

(۸) اخذ تصمیم در باره کلیه اختلافات بین فرماندار کل و مجلس کردها با مجلس کبیر ملی خواهد بود، و هر دو به نظر و رای او تمکین خواهند نمود.

(۹) تا تعیین مرزها توسط کمیسیون مختلط، منطقه اداری کردستان عبارت خواهد بود از ولایت‌های وان، بتلیس، دیاربکر و سنجاق درسیم، و پاره‌ای از قصبه‌ها و ناحیه‌ها.

(۱۰) سازمان قضایی کردستان موافق با عرف و رسوم مناطق خاصه ایجاد خواهد شد. در حال حاضر این سازمان مرکب خواهد بود از ماموران شایسته، که نیمی از آنها ترک و نیم دیگر کرد خواهند بود. در صورت بازنشسته شدن ترک‌ها می‌توان کردها را جایگزین آنها کرد.

(۱۱) از تاریخ اجرای این قانون، مالیاتی خواه به عنوان مالیات جنگی یا به هر شکل و عنوان دیگر اخذ نخواهد شد. کلیه مالیات‌های نقدی که تاکنون اخذ می‌شده‌اند از این پس بنا بر تشخیص و صلاح دید دستگاه اداری

موقوف خواهند شد و پرداخت مالیات فقط یک بار در سال خواهد بود. آن میزان از عواید که باید به دولت آنقره (آنکارا، پایتخت ترکیه) داده شود توسط کمیسیون مختلطی مرکب از نمایندگان مجلس کبیر ملی آنقره و مجلس ملی کرد تعیین خواهد گردید.

(۱۲) برای حفظ نظم در ولایت‌های شرقی، یک نیروی ژاندارمری تشکیل خواهد شد. مجلس ملی کرد قانون حاکم بر این نیرو را تنظیم خواهد کرد، اما اداره این نیرو به طور عمده تا انعقاد پیمان صلح، با مقامات ترک خواهد بود و با انعقاد پیمان صلح آن عده از افراد این نیرو که بخواهند می‌توانند به دیار خود باز گردند.

(۱۳) افسران و سربازان کرد ارتش ترکیه تا انعقاد پیمان صلح در خدمت ارتش خواهند بود، پس از انعقاد پیمان صلح آن عده که مایل باشند می‌توانند به دیار خود باز گردند.

(۱۴) پس از انعقاد پیمان صلح، پرداخت بهای احشام و موادی که در طی جنگ عمومی و پس از آن مصادره شده‌اند نخستین وظیفه دولت خواهد بود و این کار حداکثر ظرف دوازده ماه انجام خواهد گرفت.

(۱۵) در مجلس ملی کرد و ادارت فرمانداری کل و ادارات دولتی تنها از زبان ترکی استفاده خواهد شد. اما از زبان کردی نیز می‌توان در مدارس استفاده کرد و فرماندار کل می‌تواند کاربرد این زبان را توسعه نیز بدهد؛ مشروط بر این که این جریان پایه و اساسی برای هیچ‌گونه ادعای آتی در زمینه شناختن زبان کردی به عنوان زبان رسمی و دولتی قرار نگیرد.

(۱۶) وظیفه اولیه مجلس ملی کرد تاسیس دانشگاهی با دانشکده‌های حقوق و پزشکی خواهد بود.

(۱۷) مجلس ملی کرد بدون موافقت فرماندار کل و اطلاع قبلی مجلس کبیر

ملی آنقره هیچ گونه مالیاتی وضع نخواهد کرد.
(۱۸) بدون مشورت قبلی با مجلس کبیر ملی آنقره و تامین موافقت وی،
هیچ گونه امتیازی واگذار نخواهد شد.
(از این خلاصه معلوم شد که چرا نمایندگان کرد با آن شور و حرارت با این
لایحه به مخالفت برخاستند.) (۲)

اردتمند...

هوراس رامبولد

کمیسر عالی

www.KetabFarsi.com

پیمان لوزان

کنگره لوزان روز ۲۵ نوامبر ۱۹۲۲ در شهر «لوزان» برگزار شد. دولت‌های شرکت کننده در این اجلاس تمایلی به پافشاری و اصرار بر خواسته‌های خود و احیانا استفاده از زور نداشتند. تنها اندیشه غالب آن‌ها، بردن سهمی از منابع نفتی موصل بود...

در روز چهارم اجلاس، ایالات متحده آمریکا درخواست رسمی خود را برای بحث در مورد نفت موصل مطرح نمود. امتیاز نفت موصل سرنوشت کرد و ارمنی و یونانی را دگرگون کرد و آرزوهای آن‌ها را برای رسیدن به استقلال بر باد داد!

واشنگتن به صورت حامی آشکار ترکیه وارد کنگره شد. ترکیه نیز در قبال این حمایت آشکار، حاضر شد کلیه قراردادهایی را که پیش از جنگ اول جهانی و در دوران امپراتوری عثمانی منعقد کرده بود؛ تجدید کرده و بدین ترتیب لقمه چربی را در دهان آمریکایی‌ها بگذارد. از سوی دیگر ترکیه با امتناع از تجدید قرارداد نفتی خود با بریتانیا، در چارچوب کمپانی نفتی ترکیه-بریتانیا، در واقع زمینه‌های لازم را برای اعطای بخشی از امتیازات نفتی به آمریکا فراهم نمود. بدین ترتیب آمریکا بخشی از منابع نفت حوزه موصل را به بهانه این که ایالات متحده در جنگ اول جهانی پشتیبان دول فاتح بوده است، به دست آورد. پس از آن که واشنگتن حمایت علنی خود را از ترکیه آشکار کرد، این بار دول فاتح گوش به سخنان آنکارا سپرده و مطابق خواسته‌های حکومت ترکیه از یونانی‌ها و ارمنیان خواستند از ترکیه خارج شوند، مساله کرد را به فراموشی سپرده و طرح کشیدن خطوط مرزی بین ارمنستان و ترکیه را نیز پشت گوش اندازند و به خاطر همین خوش

خدمتی‌ها، مانند آمریکا، خود نیز سهمی از حوزه‌های نفتی موصل ببرند. ادعای حاکمیت بریتانیا بر عراق از سوی کنگره به رسمیت شناخته شد و همچنین تداوم حاکمیت بر کانال سوئز و کشور سودان که صاحب بزرگ‌ترین کشتزارهای پنبه بود نیز توسط کنگره پذیرفته شد. فرانسه نیز علاوه بر دریافت سهمی از حوزه‌های نفتی موصل، حق قیمومیت سوریه و لبنان را به دست آورد و ایتالیا نیز حق حاکمیت خود را بر جزایر الدوکانیزی حفظ کرد.

به همین شیوه در کنگره لوزان دولت‌های هم پیمان با عقب نشینی از خواسته‌های پیشین خود در مورد مساله کردها، ارمنی‌ها و یونانی‌ها، حمایت خود را از دولت ترکیه عملی کردند و بدین ترتیب بدون آن که هیچ حقوقی به کردها و ارمنی‌ها داده شود؛ پیمان سور تبدیل به پیمانی پوشالی و بی‌اثر شد...

پس از کنگره لوزان، راه برای مصطفی کمال باز شد تا به آرزوی دیرینه خود یعنی «تورانیسم» جامعه عمل بپوشاند. او یونانی‌ها و ارمنیان را از ترکیه اخراج کرد و تلاش کرد با بیرون راندن غیر ترک‌ها از ترکیه، کشوری به وجود آورد که به زعم خود او عاری از بیگانه باشد. ترکیه در اجرای این سیاست، کردها را مجبور کرد به زبان ترکی صحبت کنند و با تهدید و ارباب و قتل و اعدام، تبعیدهای اجباری دسته جمعی و زندانی نمودن شمار بسیاری از جوانان و زنان و دختران تلاش نمود با «کمالیسم» خود، اندیشه پان تورانیسم را عملی سازد. اما مقاومت تدریجی ملت کرد در برابر این جنایات، سرانجام زمینه را برای قیامی عمومی علیه دولت «کمالیست» ترکیه فراهم آورد و آتش خشم کردهای ستمدیده، سراسر مناطق کردنشین تحت اشغال ترکیه را در بر گرفت. (۳)

همان طور که مفاد پیمان «سور» نشان می‌دهد هدف اصلی متفین تقسیم مناطقی بود که تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی قرار داشت. یعنی این پیمان نه به حقوق مردم ترک دیدی عادلانه‌ای داشت و نه به حقوق مردم کرد، بلکه زمینه‌ای را برای «ترک‌های جوان» به وجود آورد که چندین دهه وجود مردم کرد در این کشور را انکار کنند و دولت‌های غرب و سازمان ملل هم خم به ابرو نیاورند.

مصطفی کمال (آتاتورک) که در سال ۱۹۲۰ درگیر جنگ بود و از لحاظ نظامی در موقعیت دشواری قرار گرفته بود از سر دوستی با کردها در آمد، با آنان پیمان صلح بست و متعهد شد که بعد از عقب نشینی یونان از خاک ترکیه، حقوقی را که معاهده «سور» برای مردم کرد در نظر گرفته است، به مرحله اجرا در آورد. اما، آتاتورک، بعد از این که بحران نظامی را پشت سر می‌گذارد، به تعهد خود در قبال مردم کرد عمل نمی‌کند.

ایالات متحده آمریکا در کنفرانس لوزان، در مقابل به دست آوردن امتیاز نفت موصل، سرنوشت مردم کرد و دیگر اقلیت‌ها در این منطقه را تغییر داد. آمریکا به حمایت از ترکیه برخاست. ترکیه نیز در مقابل حمایت آمریکا، حاضر نشد کلیه قراردادهایی را که پیش از جنگ جهانی اول و از جمله پیمان «سور» در دوران امپراتوری عثمانی منعقد شده بود بپذیرد. در این کنفرانس دول فاتح پذیرای سخنان نمایندگان ترکیه شدند و مطابق خواسته‌های آن کشور، از یونانی‌ها و ارمنی‌ها خواستند از ترکیه خارج شوند. آنان، مسأله مردم کرد را نیز به فراموشی سپردند. بدین ترتیب، مصطفی کمال (آتاتورک) در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۴ میلادی، طبق قانون اساسی جدید مجلس کبیر، ترکیه را جمهوری اعلام کرد و با دستیابی به آرزوی «پان ترکیسم» خود، سیاست پاکسازی اقلیت‌های یونانی، ارمنی و کرد را در دستور دولت خود گذاشت.

شعارهای نژادپرستانه او، بر در و دیوار مراکز آموزشی و ادارات دولتی آویخته شد: «من سرافرازم، چون ترکم»، «یک ترک به اندازه سراسر جهان ارزش دارد»، «ای ترک افتخار کن، کار کن، با عقیده باش»، «کسی که بگوید ترکم، سعادت‌مند و شایسته افتخار است» و...

بعد از کشتار وسیع مردم کرد در خلال سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۲۵، به کار بردن واژه «کرد» به کلی ممنوع اعلام گردید. عصمت اینونو رهبر حزب جمهوری خلق و نخست وزیر وقت ترکیه، در مورد کشتار مردم کرد می‌گوید: «تصدی که ظرف ۵ سال اخیر در شرق ترکیه ادامه داشته است تاکنون نصف نیروی خود را از دست داده است... در این مملکت تنها ملت ترک حق دارد خواهان حق قومی و نژادی خود باشد. هیچ نژاد دیگری از چنین حقی برخوردار نیست.» (۴).

گرگونی‌های دهه پنجاه

در دهه ۱۹۵۰ سرمایه‌گذاری در شهرهای کردستان توسعه پیدا می‌کند که در اثر آن شهرنشینی و مراکز صنعتی نیز گسترش می‌یابد و در این میان روز به روز بر تعداد کارگران و مزد بگیران افزوده می‌شود. از سال‌های ۱۹۶۰ فعالیت‌های روشنفکران و کارگران پیشرو برای دخالت در امور سیاسی و اجتماعی، وارد عرصه جدیدی می‌شود که اکثر آنان برای تحصیل و یا کار به شهرهای بزرگ، مانند استانبول، آنکارا و ازمیر، مهاجرت کرده بودند.

در سال‌های پایانی دهه شصت، حرکت‌های دانشجویی در اروپا اوج می‌گیرد و این فضا دانشجویان ترک و کرد را نیز تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. در سال ۱۹۶۹ روشنفکران کرد در آنکارا اولین سازمان قانونی خود را با نام «انجمن‌های انقلابی فرهنگی شرق» (DDKO) به وجود می‌آورند. از آن جا که «سازمان ترک‌های جوان» به رهبری آتاتورک یک سازمان پان‌ترکیست بود، در طول سال‌های قدرت‌یابی و تاسیس جمهوری ترکیه، همه تلاش خود را به کار بسته بود که کلمات کرد و کردستان را از فرهنگ لغات و کتاب‌های تاریخی و آموزشی حذف نماید و به جای به کار بردن مردم کرد، اصطلاح تحقیرآمیز «ترک‌های کوه نشین» را به کار گیرد. حتا استفاده از زبان کردی در محیط خانواده نیز جرم محسوب می‌شد و مجازات شدیدی نیز به دنبال داشت!؟ به همین دلیل انجمن یاد شده عبارت «فرهنگی شرق» را به جای «فرهنگی کردی» به کار می‌برد.

نشریات ماهانه این انجمن‌ها مسایل اقتصادی، استعمار دهقانان توسط مالکین، اربابان، خان‌ها، روسای عشایر، ایلات و سرکوب‌های نظامی را مورد بحث و بررسی و نقد قرار می‌دادند. اعضای «انجمن‌های فرهنگی شرق»

همان کردهای فعال در حزب کارگر ترکیه (TIP) بودند که جناح جنبش مردم کرد را در حزب نمایندگی می‌کردند و مبارزه برای رسیدن به حقوق عادلانه مردم کرد را سراسری و در همبستگی کارگران کرد و ترک می‌دیدند. اما اعضای جناح راست که تحت تاثیر حزب دمکرات کردستان عراق قرار داشتند، در سال ۱۹۶۴، حزب دموکرات کردستان ترکیه را به وجود آوردند. این جریان اولویت خود را روی مسئله ملی کرد گذاشته و خواست اصلی آن خودمختاری بود و بیش‌ترین طرفداران آن زمینداران، فئودال‌ها و خان‌های قبایل بودند. تا این که در دهه شصت، در حزب دموکرات کردستان ترکیه، انشعاب به وجود آمد. دکتر شیوان، از رهبران انشعابی، حزب دموکرات دیگری را تشکیل داد و با عده‌ای از اعضای تشکیلات خود، به عراق رفت. در همین ایام جناح دیگر حزب دمکرات به رهبری «سعید الچی» نیز راه عراق را در پیش گرفت. شیوان و سعید، هر دو در عراق، به شکل مرموز و نامعلومی به قتل رسیدند. برخی از محققین و نویسندگان کرد، اظهار می‌دارند که «الچی» توسط «شیوان» به قتل رسید و «شیوان» هم به دستور ملا مصطفی بارزانی اعدام گردید.

بعد از کودتای ۱۹۷۱، حزب کارگر ترکیه و «انجمن‌های انقلابی فرهنگی شرق» غیر قانونی اعلام شده و اکثر رهبران و اعضای آن دستگیر و زندانی شدند. در کودتای ۱۹۷۴ نیز حمله ارتش به سازمان‌های چریکی شدت یافت. در این دوره بعد از انشعاب در «انجمن‌های انقلابی فرهنگی شرق»، و دو سازمان چریکی به وجود آمد: «کورتولوش» (رهایی) و «دوریمجی یول» (راه انقلابی). در این دوره جریانات چریکی فعال بودند.

تعدادی از فعالین سیاسی که در سال ۱۹۷۵ فعالیت خود را آغاز نمودند، ماهنامه‌ای به نام «راه آزادی» (ÖZGÜRLÜK YOLU) را منتشر می‌کرد. فعالیت این جریان تا سال ۱۹۷۹ علنی بود و در همان سال ممنوع گردید.

نیروهای این جریان در دهه شصت، با «حزب کارگر ترکیه» همکاری می‌کردند. این جریان بیش‌ترین فعالیت خود را در شهرها و در انجمن‌های فرهنگی و اتحادیه‌های کارگری و صنفی متمرکز کرده بود.

در سال ۱۹۷۸ سازمان دیگری به نام «تکوشن» (مبارزه) به وجود آمد که از «کورتولوش» انشعاب کرده بود. «دوریمجی یول» نیز به چند گروه کوچک تبدیل گردید که بزرگ‌ترین آن «چپ انقلابی» (DEV SOL) بود.

جریان دیگری نیز به نام سازمان «رزگاری» (رهائی) فعالیت می‌کرد که اعتقاد داشت این جریان و سازمان‌های کرد باید مستقل و جدا از نیروهای چپ ترکیه مبارزه کنند. رزگاری در واقع یک جریان ناسیونالیستی بود. در سال ۱۹۷۹ این جریان هم دچار انشعاب شد و سازمان انشعابی به نام «حزب آلا رزگاری» اعلام موجودیت نمود. سازمان دیگری نیز به نام «کاوا» فعالیت داشت که تحت تاثیر گرایش مائوئیسم قرار داشت و اغلب در محافل دانشجویی فعالیت می‌کرد.

تحولات دهه هفتاد

جوانان کرد که برای کار و تحصیل به شهرهای دیگر ترکیه می‌روند با احزاب و سازمان‌های چپ ترکیه رابطه برقرار می‌کنند و در صفوف این احزاب و اتحادیه‌های کارگری متشکل می‌شوند. یکی از این جوانان «عبدالله اوجالان» بود که در دانشکده علوم سیاسی آنکارا، تحصیلات خود را آغاز کرده بود. او، اولین بار در حالی دستگیر شد که اعلامیه یک گروه چریکی را - که تعدادی از اعضای آن به دست نیروهای نظامی به قتل رسیده بودند - پخش می‌کرد. وی به همین دلیل هفت ماه زندانی شد و بعد از آزادی نتوانست به تحصیلات خود ادامه دهد. تشکلی به نام «انجمن وطن پرستان دموکرات آموزش عالی» در سال ۱۹۷۴ در آنکارا، توسط گروه کوچکی از دانشجویان کرد دانشگاه آنکارا به وجود آمد که فعالیت آن اساساً حول به رسمیت شناختن زبان و حقوق فرهنگی مردم کرد بود. رهبر اصلی این انجمن، عبدالله اوجالان معروف به «آپو» دانشجوی سابق رشته علوم سیاسی دانشگاه آنکارا بود. علاوه بر اوجالان از فعالان این انجمن «کشیره ایلدیریم» بود که بعدها با اوجالان ازدواج کرد و در پ.ک.ک. با نام مستعار «فاطمه» فعالیت می‌کرد. این انجمن در آغاز فعالیت‌اش ۱۵ نفر عضو داشت. انجمن مزبور عضوگیری خود را به دانشگاه‌ها محدود نکرد و فعالیت خود را در میان قشرهای دیگر مردم کرد نیز گسترش داد. تا این که اعضای اصلی انجمن در سال ۱۹۷۷ به طور مخفیانه در دیاربکر جمع شدند و سندی را به تصویب رساندند که دیدگاه‌های این انجمن راجع به وضعیت مردم کرد در ترکیه را در بر می‌گرفت. سند به صورت مخفی به نام «راه انقلاب کردستان» در ترکیه توزیع گردید. در این سند، از کردستان به عنوان جایی که فنودالان زمین‌دار و بورژوازی وابسته در

همکاری و هماهنگی با طبقه حاکم کشور استعمارگر ترکیه، در صدد تداوم بخشیدن به استعمار دهقانان و طبقه کارگر هستند؛ نام برده می‌شود. سند همچنین، برای حل مسئله مردم کرد، به یک انقلاب دو مرحله‌ای تاکید می‌کند: نخست مرحله انقلاب ملی. مرحله ملی انقلاب کردی مستلزم استقرار و تاسیس یک کردستان مستقل به عنوان پیش شرط لازم برای رسیدن به حقوق کردها است. دوم: مرحله انقلاب دموکراتیک. مرحله دموکراتیک انقلاب می‌باید تناقضات و مشکلاتی را که راه طبقه متوسط وجود دارد، از سر راه بر دارد. سند تحقق دگرگونی عمیق و گذار جامعه کرد را تنها از طریق یک انقلاب سوسیالیستی که هدف نهایی آن ایجاد یک جامعه بدون طبقه است، امکان‌پذیر می‌داند. مبارزه مسلحانه به عنوان یکی از شیوه‌هایی که با آن این اهداف به دست می‌آید، مورد قبول قرار می‌گیرد. اولین کنگره حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.) در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸ در قصبه «فیس» از توابع دیاربکر برگزار شد که عبدالله اوجالان به رهبری آن انتخاب گردید. با این چشم‌انداز، در حالی که دولت ترکیه دچار بحران سیاسی و اقتصادی اواخر دهه هفتاد است، حزب کارگران کردستان، با استفاده از این بحران موفق شد مبارزه وسیعی را در سراسر جنوب و شرق ترکیه، بر علیه دولت سازمان دهد. عبدالله اوجالان در پایان سال ۱۹۷۹ از کردستان خارج شد و به دره بقاع رفت تا امکاناتی را در آنجا برای آموزش چریک‌های خود دست و پا کند که به دنبال آن، همان سال حدود ۱۰۰ نفر «هه‌وال» (رفیق و یار) از کردستان به لبنان اعزام می‌شوند. این افراد آموزش چریکی خود را در اردوگاه‌های فلسطینی زیر نظر اوجالان می‌گذرانند.

خط مشی کلی حزب کارگران ترکیه را می‌توان در بندهای زیر خلاصه کرد:

الف) اهداف نظری

- تاکید بر مفهوم عام انسانیت به ویژه در ضدیت با از خود بیگانگی و سلطه مالکیت خصوصی بر منافع اجتماعی.
- توجه به آزادی حقیقی و حقوقی زنان.
- توجه به میراث فرهنگی بشر و حفظ محیط زیست.
- رویکرد عینی تر به تربیت انسان با اخلاق و رفتار انقلابی بر مبنای نظام اندیشگی در سوسیالیسم انسان گرا و عمل گرا.

ب) اهداف سیاسی

- ارائه راه های سیاسی نو به مردم خاورمیانه.
- درخواست حق تعیین سرنوشت مردم کرد و استمداد از مجامع بین المللی و دولت های منطقه.
- سر و سامان بخشیدن به اوضاع سیاسی و اجتماعی ترکیه در مورد اقلیت های دینی.
- با توجه به مبانی ایدئولوژیک یاد شده، عمل گرایی شدید بر خط مشی حزبی حاکم است.

آنچه که در بندهای مختلف اهداف این حزب وجود دارد ملغمه ای از گرایش های خلقی، ملی و سوسیالیستی است که از پوپولیست بودن این حزب، ناشی می شود. رهبران این سازمان تاکید می کنند که حزب شان مخالف نژادپرستی و ملیت خواهی افراطی است. مبارزه آنان برای رسیدن به عدالت اجتماعی می باشد. پ.ک.ک. بعد از «کومله» سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، در اوائل دهه هشتاد، تنها سازمان کرد است که زنان را در

صفوف نیروهای مسلح خود سازماندهی می‌کند و نسبتاً حقوق برابری برای آنان قائل می‌شود. احزاب دیگر کرد، زنان را در بخش خدمات و پشت جبهه (بهداری، آشپزی و...) سازمان می‌دهند.

دومین کنگره پ.ک.ک. در سال ۱۹۸۲ تشکیل می‌شود که در آن تصمیم می‌گیرند عملیات مسلحانه علیه دولت ترکیه را آغاز نمایند. کودتاگران، فعالیت کلیه احزاب و سازمان‌ها را ممنوع کرده بودند و چنین تصمیمی از سوی کنگره، وجهه ویژه‌ای در آن دوره خفقان به پ.ک.ک. می‌داد. به دنبال این تصمیم کنگره، اولین عملیات نظامی در ۱۵ آگوست ۱۹۸۴ به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. پ.ک.ک. در سال ۱۹۸۶، در سومین کنگره خود برای گسترش مبارزه مسلحانه یک بخش نظامی به نام «ارتش جبهه آزادیبخش ملی کردستان» (ARGK) به وجود می‌آورد. در مارس ۱۹۸۵، سازمان دیگری به نام «مجمع آزادی ملی کردستان» (ARNR) را بنیان‌گذاری می‌کنند. در سال‌های اخیر اتحادیه آزادی زنان کرد (V.A.J.K) را نیز تشکیل می‌دهند. این حزب دارای برنامه ماهواره‌ای (MED.TV) نیز هست. همچنین اوجالان با نام مستعار «علی فرات» در نشریه‌های ترکی با نام‌های (Özgür Güdem) و (Özgür Ölke) مقاله می‌نوشت که توسط روشنفکران کرد منتشر می‌شد و در ترکیه و اروپا پخش می‌گردید. این روزنامه‌ها در سال‌های گذشته توسط دولت ترکیه تعطیل گردیده‌اند.

با گسترش حزب، تعداد اعضای کمیته مرکزی آن به ۳۰ تن رسید. اعضای کمیته مرکزی، «کمیته رهبری» ۷ نفری را انتخاب می‌کنند. کمیته رهبری، تصمیمات کلی را می‌گیرد و در غیاب رهبر کمیته (عبدالله اوجالان)، تصمیم‌گیری می‌کند. این آرایش جدید خبر از آن می‌داد که این حزب تعداد زیادی از انسان‌های معترض را به صفوف خود جذب کرده و از امکانات و

منابع مالی عظیمی برخوردار شده است.

خفقان خونین بعد از کودتا، نزدیک به چهار سال ادامه می‌یابد. نخست در درون طبقه کارگر ترکیه صدای اعتراض بلند می‌شود و به دنبال آن حمله چریک‌های پ.ک.ک. به نیروهای انتظامی مستقر در کردستان، سکوت را می‌شکند.

بدین ترتیب حزب کارگران کردستان، در سال ۱۹۸۴ اولین عملیات مسلحانه خود را به رهبری عبدالله اوجالان آغاز می‌کند.

www.KetabFarsi.com

کودتای سپتامبر ۱۹۸۰ و مسئله مردم کرد

فعالیت‌های پ.ک.ک. و دیگر احزاب سیاسی کردستان و ترکیه با کودتای ۱۹۸۰ دچار وقفه گردید. این کودتا سومین کودتای نظامی در ترکیه بعد از سال‌های ۱۹۴۰ بود. ارتش ترکیه تحت رهبری ژنرال کنعان اورن، رئیس ستاد مشترک ارتش ترکیه، در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ قدرت را به دست گرفت و اعلام کرد که با حاکمیت ارتش بر قوه مقننه و مجریه، تلاش خواهد شد که نظم و دموکراسی در کشور مستقر گردد. در مارس ۱۹۸۱ حکومت نظامی، صاف‌الدین الجی را که در سال‌های ۷۹-۱۹۷۸ وزیر خدمات عمومی در دولت بلند اجویت بود؛ به جرم تبلیغات برای کردها و تشویق جدایی طلبی به دو سال و سه ماه زندان محکوم کرد. حکومت نظامی با محکومیت این وزیر سابق کرد تبار، رسماً اعلام کرد که نابودی کلیه اشکال طرح مسئله مردم کرد را به عنوان هدف در دستور کار خود دارد. تنها دلیل محکومیت الجی این بود که وی گفته بود: «من یک کرد هستم و در ترکیه نیز قومی به نام کرد زندگی می‌کند.»

در مارس ۱۹۸۳ دولت کودتاچیان رسماً اعلام کرد که حدود ۲۰ هزار نفر از مخالفان را دستگیر کرده است که اکثریت قاطع آن فعالین چپ هستند. در این میان فعالین سیاسی کرد که بلافاصله بعد از کودتا دستگیر و به جرم «جدایی طلبی» محاکمه شدند، شمارشان به سه هزار نفر می‌رسید و نیمی از آنان اعضای پ.ک.ک. بودند. آمار واقعی افرادی که توسط کودتاچیان و پلیس مخفی به قتل رسیدند هرگز اعلام نشد اما گمانه زنی می‌شود که آمار واقعی خیلی بیشتر از ارقام اعلام شده رسمی باشد. روزنامه «ملیت» در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۷ تعداد دستگیر شدگان کودتا را ۶۵۰۱، هزار نفر

اعلام کرد که در دادگاه‌های نظامی برای ۷ هزار نفر مجازات اعدام درخواست شده بود. بر اساس آمارهای رسمی، در سال‌های کودتا، ۴۶ نفر اعدام و ۱۷۱ نفر در زیر شکنجه به قتل رسیدند.

در سال ۱۹۸۲ دولت نظامی، مجلس موسسان را برای تصویب قانون اساسی جدید فراخواند. در قانون اساسی جدید محدودیت‌های تازه‌ای در رابطه با مردم کرد به تصویب می‌رسد. اصول ۲۷، ۲۸، و ۸۹ این قانون تاکید می‌کند که: «هیچ زبانی که به وسیله قانون منع شده است نمی‌باید در بیان و نشر اندیشه مورد استفاده قرار گیرد، نشریات نمی‌باید به هیچ زبانی که توسط قانون منع شده است چاپ و منتشر شوند و هیچ حزب سیاسی نمی‌باید خود را به دفاع، حمایت، گسترش و اشاعه زبان یا فرهنگ‌های غیر ترکی متعهد کند. همچنین احزاب نمی‌باید در جستجوی تشکیل اقلیت‌هایی در درون کشور باشند.» علاوه بر این، قانون اساسی نیز محدودیت‌هایی را بر علیه استفاده از زبان کردی به وجود می‌آورد.

حکومت نظامی فعالیت احزاب و سازمان‌ها و تشکل‌های کارگری و چپ و نهادهای دموکراتیک مخالف کودتا را قدغن و فعالین آن‌ها را تحت تعقیب قرار می‌دهد.

مسئله مردم کرد، یکی از مسائل مهم ژنرال‌هایی بوده است که هر چند سال یک‌بار حکومت را به دست می‌گیرند. در واقع کردستان و سیاست میلیتاریستی در آن‌جا یکی از موضوعاتی است که دولت‌های مختلف ترکیه از نظامی تا غیر نظامی، به بهانه «تجزیه کشور» و «مبارزه با تروریسم»، اعمال سرکوبگرانه خود را توجیه می‌کنند و به همین بهانه هر اعتراضی را به خشن‌ترین وجهی سرکوب می‌کنند. در همین رابطه، اقرار ژنرال اورن رهبر کودتا، که بعد از خاتمه حکومت نظامی نیز دو دوره پشت سرهم رئیس

جمهور ترکیه شد؛ بسیار گویا است. هر چند که وی تنها به نقشه‌ها و برنامه‌های هولناک دولت خود علیه مردم کرد اشاره می‌کند، بدون این که آن‌ها را توضیح دهد. اما همین اشاره نیز بسیار گویا است و روشن می‌سازد که جنایاتی که آنان بر علیه مردم کرد اعمال کرده‌اند چه ابعاد وحشیانه‌ای را شامل می‌شود.

ژنرال کنعان اورن، رهبر کودتاجیان، طی مصاحبه‌ای با مجله آلمانی «اشپیگل» در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۸۱ در رابطه با مردم کرد گفت: «... کردها بارها، در زمان امپراتوری عثمانی و آتاتورک، به پاخاسته‌اند. در برابر ما نقشه‌ها و برنامه‌های هولناکی برای سرکوبی کردها وجود دارد. هر وقت جمهوری ترکیه ضعیف می‌شود، کردها قد علم می‌کنند و می‌خواهند با کمک نیروهای خارجی، ترکیه را تجزیه کنند... و باید اضافه کنم که مردمی به نام کرد در کشور ترکیه وجود ندارد، ما به آن‌ها اجازه نخواهیم داد که ترکیه را متلاشی کنند. آن‌ها قادر نیستند چیزی را از ما بگیرند. ما تمام نیروی خود را به کار خواهیم برد تا این مسئله را ریشه کن کنیم...» (۵)

در زیر تنها به گوشه‌ای از وحشیگری‌های کودتاجیان ۱۹۸۰، به نقل از مطلبی که در ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۷ در سالگرد خونین این کودتا در روزنامه «ملیت» چاپ شده است - اشاره می‌شود:

— ۶۵۰ هزار نفر بازداشت شدند،

— در مجموع ۲۳۰ هزار نفر مورد محاکمه قرار گرفتند،

— دادگاه‌های نظامی برای ۷ هزار نفر مجازات اعدام درخواست کرد،

— ۴۶ نفر اعدام شدند،

— ۳۸۸ هزار نفر از کشور ممنوع‌الخروج شدند،

— حق تابعیت ۱۴ هزار نفر که در خارج از کشور به سر می‌بردند لغو گردید،

- طبق اسناد موجود ۱۷۱ نفر در زیر شکنجه به قتل رسیدند،
- ۹۳۷ فیلم سانسور و نمایش آن‌ها ممنوع گردید،
- ۶۶۷ ۲۳ انجمن و نهاد فرهنگی و اجتماعی منحل شد،
- ۳۸۵۴ آموزگار، ۱۲۰ استاد دانشگاه و ۴۷ وکیل دادگستری از کار برکنار گردیدند،
- بر اساس قانون ۱۴۰۲، ۹۴۰۰ کارمند دولتی از نهادهای دولتی اخراج شدند،
- در مجموع برای روزنامه‌نگاران ۳۳۱۵ سال مجازات زندان درخواست گردید،
- بر اثر سانسور، مدت توقیف روزنامه‌هایی که منتشر نشدند به ۳۰۰ روز بالغ گردید،
- بر علیه ۱۳ روزنامه سراسری حدود ۳۰۳ شکایت به عمل آمد. (۶)

جنایت‌های دولت ترکیه بر علیه مردم کرد

از سال ۱۹۸۳ به بعد یعنی سال انتقال حاکمیت از حکومت نظامی به غیر نظامیان و روی کار آمدن حزب «مام وطن» به رهبری تورگوت اوزال، طبقه کارگر نیز وارد مرحله جدیدی از مبارزه طبقاتی خود می‌شود. به ویژه در سال ۱۹۹۰ مبارزه و اعتصاب کارگران معادن «زوتقولداغ» آغاز می‌گردد که کل جامعه ترکیه را تکان می‌دهد.

در این میان مسئله کرد نیز وارد مرحله جدیدی از کشمکش قدرت بین ناسیونالیسم ترک و ناسیونالیسم کرد می‌شود که از اواخر دهه هفتاد و به ویژه بعد از خاتمه حکومت نظامی، بیش از هر زمان دیگر در سطح وسیعی مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد و خواست رفع ستم ملی و حل مسئله کرد نه تنها در میان سازمان‌ها و محافل کرد، بلکه در میان اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های چپ غیر کرد و روشنفکران مطرح می‌شود. در مجموع می‌توان گفت که یک موج اجتماعی راه می‌افتد تا بحران موجود و مسئله کرد را خارج از سرکوب نظامی دولت و مبارزه مسلحانه و ناسیونالیستی پ.ک.ک. از طریق سیاسی و انسانی، جواب دهد.

«تورگوت اوزال» رهبر حزب «مام میهن» بعد از کودتای ۱۹۸۰ در اولین انتخابات که در سال ۱۹۸۳ برگزار شد به مقام نخست وزیری می‌رسد. وی برنامه دولت جدید را در ۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ به مجلس ملی ترکیه ارائه می‌دهد. در این مورد در کتاب «جنبش‌های کرد از دیر باز تاکنون... نگارش و اقتباس م. مردوخ...» چنین نوشته شده است: «دولت حزب مام میهن، طبق موازین ایدئولوژیکی اش مظهر ناسیونالیسم بورژوائی است. تورگوت اوزال رئیس دولت با زیر پا گذاشتن حقوق دیگر اقلیت‌های ملی کشور در حین قرائت

برنامه دولت در مجلس ترکیه چنین گفت: دولت ما یک دولت ناسیونالیست است... و نظرات ناسیونالیستی ما هم در دفاع از حقوق اساسی، استقلال، تمامیت ملت ترک و عدم تجزیه کشور سمت و سو دارد... آنچه که او قول داد این است که دولت: پیوسته و به طور مستمر با آنارشیسم، تروریسم، جدایی طلبی و دیگر جریان‌ها که خلاف میل دولت عمل می‌کنند مبارزه کند... او گفت: از نقطه نظر اقتصادی و اجتماعی، طرح از اولویت خاصی برخوردار است و برنامه ریزی برای رشد کردستان شمالی را ما جزو وظایف ملی خود می‌دانیم و تمام اقدامات لازم را برای به اجرا در آوردن آن در کوتاه‌ترین مدت به کار خواهیم برد.» در همین کتاب به نقل از روزنامه تایمز به تاریخ ۱۰...۸-۱۹۸۴، پیرامون طرح اقتصادی دولت در مناطق کرد نشین، چنین نوشته شده است: «تورگوت اوزال در ژوئیه ۱۹۸۴ از قوانین تصویب شده در باره ۲۷ ولایت کشور به عنوان «منطقه آزاد» حمایت همه جانبه و جدی خود را از طریق «رسمی گزته» - روزنامه رسمی - اعلام کرد. این ولایات در مجموع جزو کردستان شمالی هستند. طبق آن مصوبات، اعضای کمپانی‌های چند ملیتی و سرمایه‌داران محلی، بدون پرداخت هیچ‌گونه مالیاتی در ولایات آغری، قارص، تونجلی، بینگل، موش، بیتلیس، سیرت، حکاری، گومیشان و وان سرمایه‌گذاری کردند. علاوه بر این، انحصارات چند ملیتی در ولایات سیواس، مالاتیا، الازیک، دیاربکر، آدی‌یامان، قهرمان ماراش، اورفا، چانکیری، چوروم، کاستامونو، سینوپ، یوزگات، آرت وین، ارزروم، ارزینجان و ماردین نیز سرمایه‌گذاری کردند که از سود حاصله تنها ۴۰ درصد مالیات می‌پرداختند. در عین حال، انحصارات چند ملیتی به دریافت امتیازات دیگری نیز نائل آمدند.» (۷)

آنچه که مسلم است دولت‌های بورژوازی کمالیست حاکم، به طور دائم مردم

کرد را از طریق لشکرکشی، تروریسم، بمباران‌های هوایی و زمینی، به آتش کشیدن دهات و کوچ اجباری، به وجود آوردن مناطق سوخته و خالی از سکنه و کشتار، به زنجیر اسارت کشیده‌اند!

بر اساس آمارهای منتشر شده رسمی و گزارش سازمان‌های مدافع حقوق بشر، تاکنون هزاران ده و قصبه به خرابه تبدیل شده و ساکنان آن به اجبار به حاشیه شهرهای بزرگ کوچ داده شده‌اند؛ بدون این که دولت کم‌ترین امکاناتی در اختیار آنان قرار دهد. تعداد بی‌شماری از مردم بدون محاکمه و زیر بازجویی‌ها به قتل رسیده‌اند. تعدادی از مردم کردستان ترور گردیده و عده‌ای مفقودالایر شده‌اند. ماموران رسمی و مخفی و نگهبانان ده به هر خانه‌ای که دوست داشته باشند وارد می‌شوند. انسان‌ها را بدون دلیل مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، به زنان و دختران تجاوز می‌کنند، رهبران کارگری، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران را که به این وحشیگری‌ها اعتراض می‌کنند و یا آن‌ها را افشا می‌نمایند، به بهانه‌ی «واهی» («تجزیه طلبی») و «به خطر انداختن امنیت و تمامیت ارضی کشور» زندانی می‌کنند!؟

حفظ ((تمامیت ارضی کشور)) در قانون اساسی

ماده ۵۷ قانون اساسی ترکیه مقرر می‌دارد: «برنامه‌ها و اساسنامه و فعالیت‌های یک حزب سیاسی باید با اصول دموکراتیک و غیرمذهبی جمهوری که مبتنی بر آزادی، رعایت حقوق فردی و تجزیه ناپذیری کشور است، سازگار باشند.» (۸)

ماده ۸۹ قانون اساسی ترکیه، در مورد «حفظ تمامیت ارضی» می‌گوید: «هیچ حزب سیاسی نمی‌تواند از موجودیت زبان و فرهنگی غیر ترک دفاع کند یا در بسط و نشر آن بکوشد، یا در صدد ایجاد اقلیت‌هایی در محدوده مرزهای کشور بر آید و وحدت ملی را بر هم زند.» (۹)

علاوه بر این مصراحت قانونی، قوانین دیگری هم وجود دارند که برای بقای موقعیت شوونیسم ترکیه، دست به اصطلاح مجری قانون را باز می‌گذارند تا در صورتی که هر فرد و جریانی از حقوق برابر همه شهروندان کشور، به ویژه از حقوق برابری شهروندان کرد، ترک، ارمنی و... حرفی بزنند، به شدت سرکوب شوند. از جمله بر اساس مواد ۱۴۱ و ۱۴۲ قانون جزا، افراد و جریاناتی که در جهت تخریب مسائل اقتصادی، سیاسی و قانونی کشور اقدام کنند؛ پنج تا پانزده سال زندان در انتظارشان خواهد بود. (۱۰)

غیر از احزاب پارلمانی و حاکم، تنها حزب قانونی که در سال ۱۹۷۱ فعالیت داشت و در تبلیغات خود از حقوق کارگران و سوسیالیسم دفاع می‌کرد، حزب کارگر ترکیه بود که آشکارا از حقوق مردم کرد و نقض این حقوق توسط دولت سخن می‌گفت. این حزب در چهارمین کنگره خود که در نوامبر سال ۱۹۷۱ برگزار شد، قطعنامه‌ای را در دفاع از مردم کرد به تصویب رساند. در بخشی از این قطعنامه آمده است: «ملت کرد در شرق ترکیه وجود دارد...

مقامات فاشیست که نمایندگان طبقات حاکم‌اند مردم کرد را معروض سیاست جذب و اربعابی ساخته‌اند که اغلب بدل به سرکوب‌های خونین می‌شود.»

همچنین این کنگره از حزب خواست که: «از مبارزه مردم کرد برای استفاده از کلیه حقوقی که به موجب قانون اساسی به شهروندان کشور اعطا شده است و نیز تحقق کلیه آرزوها و خواست‌های دموکراتیک آنان حمایت کند.»

سرانجام این حزب به خاطر فعالیت‌های مدافعانه از حقوق مردم کرد و «تجزیه طلبانه!!»، توسط دولت غیر قانونی اعلام شد و رهبران و فعالین آن به زندان‌های دراز مدت محکوم گردیدند.» (۱۱)

حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.)

حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.) مانند همه جناح چپ احزاب ناسیونالیست، در دوره‌هایی، از کارگران و سوسیالیسم دفاع می‌کرد. پ.ک.ک. به اعتبار مبارزه مسلحانه و مقاومت در مقابل دولت‌های دیکتاتوری به یک جریان اجتماعی تبدیل شد. علاوه بر آن اعضای این حزب فداکاری‌های زیادی از خود نشان داده‌اند. اما نباید این واقعیت را کتمان کرد که اساساً حزب کارگران کردستان، ربطی به جنبش کارگری و سوسیالیستی طبقه کارگر نداشته و ندارد. در سطح کلی این حزب با استفاده از شکاف دولت‌های منطقه، مبارزه مسلحانه‌ای را علیه دولت ترکیه سازمان می‌داد. دولت سوریه، رژیم اسلامی ایران، عراق و ارمنستان در منطقه و یونان، شوروی (سابق) و برخی از احزاب اروپایی به نوعی از حزب کارگران کردستان، حمایت می‌کردند. اما، در دهه نود، این بلوک‌بندی‌ها به هم ریخت. به خصوص فروپاشی شوروی تاثیر زیادی بر این امر گذاشت. این حزب در نگاه‌داری اردوگاه‌ها و نهادهای مستقر در کشورهای همجوار ترکیه، با مشکلات فزاینده‌ای رو به رو شد. در نتیجه این حزب مجبور گردید هم در تاکتیک و هم در استراتژی خود، تغییرات اساسی به وجود آورد. ادامه مبارزه مسلحانه به شیوه سابق امکان‌پذیر نبود. در واقع بخش اعظم نیروهای حزب غیر فعال و اردوگاه‌نشین شده بودند و معلوم نبود تا چند سال این شرایط می‌تواند ادامه یابد. برپائی اردوگاه‌های ثابت در داخل کردستان ترکیه هم امکان‌پذیر نبود.

به همین دلایل رهبری پ.ک.ک. در فکر پیدا کردن راهی بود که از این بن‌بست‌هایی یابند و در نتیجه تغییر ساختار تشکیلاتی و تغییر اهداف و برنامه و مذاکره با دولت ترکیه را در دستور برنامه‌های جدید خود گذاشتند.

بعد از فروپاشی شوروی (سابق)، رهبری پ.ک.ک. نه تنها گرایش سوسیالیستی درون خود را به حاشیه می‌راند بلکه در درون حزب آشکارا گرایش‌های سوسیال دموکراسی، ناسیونالیستی و مذهبی نیز رشد کرد و سوسیالیسم برای این حزب تنها جنبه تزئینی پیدا کرد.

جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق که در آن دوره نقش میانجی بین دولت ترکیه و پ.ک.ک. را بازی می‌کرد؛ روز ۱۷ فوریه سال ۱۹۹۳ در دیدار چند ساعته با اوجالان در دمشق، خطاب به او چنین می‌گوید: «باید واقع بین بود، جنگ سرد پایان یافته است، شوروی و بلوک آن از بین رفته است، باید آگاهانه به جنگ خاتمه بخشید و آتش بس ۶ ماهه اعلام کرد، پذیرش این امر، معنایش این نیست که شما تسلیم شده‌اید ولی به دنیا ثابت خواهید کرد که مسئولانه عمل کرده‌اید.»

اوجالان رهبر پ.ک.ک. در موافقت با نظر طالبانی می‌گوید: «حاضرم تروریزم و تجزیه طلبی را محکوم کنم، ما دیگر کمونیست نیستیم، میهن پرست می‌باشیم.» سپس وی در حضور جلال طالبانی، نامه‌ای به تورگوت اوزال رئیس جمهوری ترکیه، نوشته و او را در جریان این تغییرات می‌گذارد. روز ۱۷ مارس اوجالان در حضور طالبانی در لبنان بعد از ۲۳ سال کت و شلوار می‌پوشد و آتش بس را از ۲۰ مارس تا ۱۵ آوریل ۱۹۹۳ اعلام می‌دارد که روزنامه های ترکیه آن را در سطح وسیعی انعکاس می‌دهند. اوجالان همچنین نامه‌هایی به روسای دولت‌های غرب و نهادهای بین‌المللی می‌نویسد و از آنان درخواست می‌کند که برای حل مسئله کرد در ترکیه میانجیگری کنند.

اما تورگوت اوزال و دولت، نه تنها چندان روی خوشی به مذاکره نشان نمی‌داد بلکه هر چه بیشتر در امر سرکوب نظامی پافشاری می‌کرد. «ناهیت منتشه» وزیر کشور وقت در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۴ چنین اقرار می‌کند: «از نوامبر

۱۹۹۱ تا این تاریخ، حدود ۲۴۳۳ روستا تخلیه شده است.» این وزیر سوسیال دموکرات، اضافه می‌کند که بالغ بر یک میلیون نفر از مردم این منطقه نیز کوچ کرده‌اند. (۱۲)

امروز دولت ترکیه، علاوه بر استقرار ۳۰۰ هزار نظامی در کردستان، سپاه ۵۰ هزار نفری موسوم به «سپاه محافظان روستا»، یک گردان دوازده هزار نفری نیروهای ویژه، هزاران مامور شخصی و پلیس مخفی را برای سرکوب مردم ستمدیده و مبارز کردستان به کار گرفته است. علاوه بر این، طبق اظهار نظرهای رسمی، مخارج نیروهای سرکوبگر در کردستان رقمی بین ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار در سال می‌باشد. خشونت این نیروها در کردستان هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. البته تعدادی از نظامیان به ویژه سربازان از خدمت در کردستان سر باز می‌زنند. مبتنی بر آمارهایی که در سال ۱۹۹۶ در روزنامه‌ها منتشر گردید، بیش از ۴۰۰ هزار نفر از اطاعت سر باز زده‌اند. افزودنی است که «سرپیچی از دستور فرماندهان» نیز مشمول آمار فوق است. این آمار فقط رخ داده‌های سال‌های ۹۴ تا ۹۶ را در بر می‌گیرد.

در مناطق کردنشین، فقر و بدبختی و محرومیت غیر قابل‌تصوری وجود دارد. در حالی که این مناطق، یک پنجم وسعت کشور را شامل می‌گردد و نزدیک به ۱۸ درصد (حدود ۱۳ میلیون نفر) جمعیت کشور در آن زندگی می‌کنند و حدود ۵ میلیون نیز در شهرهای دیگر ترکیه و یا اروپا به سر می‌برند. دولت، تنها حدود ۱۰ درصد از سرمایه‌گذاری کل کشور را به آن‌جا اختصاص می‌دهد و سرمایه‌داران هم به دلیل ناامنی، چندان رغبتی برای سرمایه‌گذاری در این منطقه از خود نشان نمی‌دهند. بیش از هفتاد درصد از نیروهای فعال مناطق کردنشین، در بخش کشاورزی فعال هستند. تقریباً هفتاد درصد مردم در دهات و قصبه‌های کوچک و ۳۰ درصد در شهرها زندگی می‌کنند.

جمعیت شهرنشینی در جاهای دیگر ترکیه، بیش از پنجاه درصد است. با یک حساب سر انگشتی به راحتی می‌توان تشخیص داد که دولت ترکیه چقدر تبعیض و نابرابری و ستم برای مردمی که در شرق ترکیه زندگی می‌کنند روا می‌دارد. همچنین به راحتی می‌توان درک کرد که اگر خواستند از آن کشور جدا شوند و سرنوشت خود و فرزندان‌شان را به دست خویش رقم بزنند تا چه اندازه بر حق می‌باشند.

www.KetabFarsi.com

تلاش‌های پ.ک.ک. برای سازش با دولت ناکام ماند

در اثر مبارزه مردم و تحت فشار افکار عمومی بین‌المللی و بحران فزاینده اقتصادی، سرانجام تورگوت اوزال از حزب «مام وطن» رئیس‌جمهور و سلیمان دمیرل از حزب «راه راست» نخست‌وزیر، ظاهراً استفاده از زبان کردی را (البته نه در ادارات و نهادهای رسمی دولتی) به رسمیت شناختند تا از این طریق امتیازی به بورژوازی کرد داده شود و زمینه برای تشکیل یک حزب کردی تحت نظر دولت آماده گردد. در همین دوره پ.ک.ک. نیز از رادیکالیسم سابق خود دست بر می‌دارد و اعلام آمادگی می‌کند که اگر دولت به چند خواست این حزب جواب مثبت دهد، بی‌درنگ اسلحه خود را زمین می‌گذارد و در چهار چوب قانون اساسی موجود ترکیه، به فعالیت پارلمانی روی می‌آورد. خواست‌های پ.ک.ک. چنین بود:

۱- وضعیت فوق‌العاده نظامی در کردستان لغو گردد.

۲- زبان کردی به رسمیت شناخته شود.

۳- امکانات و امتیازات فرهنگی به کردها داده شود.

۴- کوماندوها، نه کل ارتش، مناطق کردنشین را ترک کنند.

سلیمان دمیرل نه تنها خواست‌های پ.ک.ک. را جدی نگرفت بلکه حاضر نشد با آن حزب مذاکره‌ای داشته باشد. گرچه شایع بود که بین دولت و رهبری پ.ک.ک. به طور مخفیانه تماس‌هایی صورت گرفته است.

سرانجام «حزب کار خلق» (HEP) پس از برگزاری کنفرانسی در پاریس توسط سازمان‌های کرد، فعالیت رسمی خود را آغاز و از دولت نیز اجازه رسمی برای فعالیت دریافت کرد و در انتخابات پارلمانی شرکت نمود. ۲۲ نامزد این حزب به پارلمان راه یافتند. مردم معترض رای خود را به نامزدهای این حزب دادند

و برای نخستین بار در تاریخ جمهوری ترکیه، نمایندگان با آرای مردم مناطق کرد نشین به مجلس ملی ترکیه راه پیدا کردند. بعد از انحلال این حزب، حزب دموکراسی (DEP) و بعد از انحلال آن، حزب دموکراسی خلق (HADEP) به وجود می‌آید. همه این احزاب مورد حمایت پ.ک.ک. قرار می‌گیرند. یکی از «اتهامات» مطرح شده توسط دولت برای انحلال احزاب مزبور این بوده است که آن‌ها با پ.ک.ک. رابطه داشته‌اند.

تورگوت اوزال رئیس جمهور وقت ترکیه در حالی که به مسئله کرد با احتیاط نزدیک می‌شد؛ درگذشت. پس از وی سلیمان دمیرل از سوی نمایندگان مجلس به ریاست جمهوری انتخاب شد. بنا به قوانین ترکیه رئیس جمهور به این خاطر که نسبت به احزاب پارلمانی بی‌طرف باشد باید از رهبری حزب کناره‌گیری کند. به همین دلیل پس از کناره‌گیری دمیرل، خانم تانسوچیلر به رهبری حزب «راه راست» انتخاب گردید و در ائتلاف با حزب سوسیال دموکرات، نخست وزیر ترکیه شد. به دنبال این تحولات در مقامات رده بالای کشور، حزب کار خلق، (سپس حزب دموکراتیک کار نیز به همین سرنوشت دچار شد) به جرم فعالیت‌های «تجزیه طلبانه» و همکاری با «پ.ک.ک.» و غیر قانونی و منحل اعلام شد. همچنین دبیر کل حزب همراه با تعدادی از نمایندگان در پارلمان دستگیر و زندانی شدند. چند نفر از آن‌ها نیز به کشورهای اروپایی گریخته و پناهنده شدند. آنان در همکاری با پ.ک.ک. نهادی به نام «پارلمان کردستان در خارج از وطن» را به وجود آوردند. این نهاد تلاش‌هایی را تحت عنوان «فعالیت‌های دیپلماتیک» آغاز کرد. نمایندگان آن با نمایندگان احزاب اروپایی و یا مقامات دولتی و سازمان‌های بین‌المللی دیدار و گفت‌وگو می‌کنند تا از این طریق دولت ترکیه را وادار به مذاکره با پ.ک.ک. و به رسمیت شناختن حقوق مردم کرد کنند. ایده تشکیل «پارلمان کردستان در